

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۵ مارچ ۲۰۱۶

بیستمین سال انتشار "پیام فدائی"، صدای کارگران و زحمتکشان، گرامی باد!

بهمن ماه [دلو] امسال مصادف با انتشار ۲۰۰ مین شماره نشریه "پیام فدائی"، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران است. اگر رستاخیز سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ و در تداوم آن قیام پرشکوه مردم ما در ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به چهره این ماه خونین و پر افتخار مبارزاتی در تقویم تاریخ توده های مردم ما جلانی دو چندان بخشیده اند، "پیام فدائی" همان گونه که از نام پر مسمای آن پیداست افتخار آن را دارد که از زمان انتشارش در فروردین [حمل] سال ۱۳۶۵ تا کنون همواره و در هر شرایطی پژواک گر پیام انقلابی و آرمان های انسانی این دو فراز رفیع و درخشنده مبارزات رهائیبخش کارگران و خلق های محروم ما بوده و درفش حقانیت و آرمان های این مبارزات را با قبول همه دشواری های ذاتی آن با تمام توان در اهتزاز نگاه داشته است. با توجه به چنین تقارن زمانی پر مسمائی جا دارد تا از این فرصت استفاده کرده و کمی در باره واقعیت این نشریه و نقش و جایگاه و مواضع انقلابی آن نه تنها در میان روشنفکران و جنبش مردمی بلکه در سرنوشت آن طبقه اصلی یعنی انبوه "هیچ بودگان" و "بی صدایانی" که صاحبان اصلی جامعه تحت سلطه ما و نیروی اصلی محرک دگرگون کننده آن در آینده ای محتوم هستند، چند کلامی سخن بگوئیم.

دویستمین شماره پیام فدائی در چه شرایطی منتشر می شود و اهمیت و یا تفاوت این نشریه با سایر نشریاتی که هم اکنون در طیف شناخته شده با نام چپ و انقلابی منتشر می گردند و تعدادشان هم کم نیست چه می باشد؟ اولین دوره انتشار پیام فدائی در گُردستان در شرایطی آغاز شد که بر بستر یورش ضد انقلابی سراسری رژیم جمهوری اسلامی، بخش بزرگی از نیروهای جنبش انقلابی در گُردستان، سنگر آزادگان متمرکز شده و در بطن یک جنبش توده ئی مبارزه با نظام حاکم را به پیش می بردند. در چنین شرایطی و به رغم جاری بودن مبارزه مسلحانه در این خطه، محدودیت های ناشی از سلطه نیروهای ناپیگیر و خرده بورژوائی محلی بر این مبارزات، ضرورت وجود یک نشریه کمونیستی که تریبون و صدای پیگیرترین انقلابیون و توده های تحت ستم علیه دشمنان شان باشد را به طور برجسته ای می طلبید؛ نشریه ای که در شرایط تبلیغات دشمن مبنی بر "نابودی" چریکها بتواند منعکس کننده پراتیک مسلحانه این نیرو و بر بستر آن پژواک گر اهداف و مواضع نیروهای کمونیست و انقلابی باشد. این نشریه هم چنین در شرایط پیچیده مبارزه با دشمن اصلی مردم یعنی نظام استثمارگرانه حاکم و پاسدار آن یعنی جمهوری اسلامی می بایست در

جبهه نبرد علیه ایده های انحرافی، رهبری های سازشکار و فرصت طلب که خود مانعی در مقابل رشد و گسترش جنگ انقلابی در گُردستان بودند، راه اصلی را بنمایاند و صدای تداوم مبارزه و انقلاب باشد. نگاهی به ۳۶ شماره پیام فدائی در بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۶۹ نشان می دهد که این نشریه ضمن انعکاس پراتیک مسلحانه چریکهای فدائی خلق در آن سال ها ، چگونه با تمام قواء در جهت اشاعه مواضع و نظرات انقلابی در چارچوب فوق حرکت کرد. افشای پیگیرانه و قاطع ماهیت ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی و سیاست های ضد انقلابی آن، دفاع از مبارزات و خواست های طبقه کارگر ، دفاع از جنبش انقلابی خلق کرد، افشای ماهیت جنگ امپریالیستی ایران و عراق که حیات و هستی توده های تحت ستم را لگد مال می کرد، دفاع پیگیرانه و دائمی از زندانیان سیاسی و خانواده های آنان و افشای نسل کشی جمهوری اسلامی و کشتار سیستماتیک دهه ۶۰ که قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ نقطه اوج آن بود و تلاش برای ایجاد اتحاد بین نیروهای درون صف خلق علیه دشمن و از جمله ضرورت ایجاد فرماندهی مشترک در جنبش گُردستان، تأکید بر ضرورت گسترش مبارزه مسلحانه از گُردستان به دیگر مناطق ایران به عنوان تنها راه نجات از سلطه جهانی جمهوری اسلامی و بالاخره اتخاذ یک موضع انقلابی در جنگ اول خلیج فارس و اشغال کویت و رویدادهای بعد از آن ، برخی از زمینه هائی می باشند که نشان می دهند "پیام فدائی" چگونه در آن سال ها به وظایف مبارزاتی خود در جبهه مبارزه ایدئولوژیک با دشمنان مردم و در همان حال پیکار با نظرات انحرافی انواع نیروهای سازشکار به طرز شایسته عمل کرد. به جرأت می توان گفت امروز با وجود گذشت سال ها از آن دوران پر تلاطم، خلاف بسیاری از نشریات نیروهای سیاسی مدعی طبقه کارگر و چپ، پراتیک اجتماعی و سیر رویدادها نشان دهنده صحت مواضع پیام فدائی در مورد بزرگ ترین و مهم ترین رویدادهای آن دوره است.

این واقعیتی مهم و قابل تعمق بوده و بیانگر آن است که در جنبش کمونیستی ایران نیروئی وجود دارد که حقانیت نظرات متعلق به طبقه کارگر ایران را ثابت و آن ها را انعکاس داده و به عبارتی ، زبان گویای این طبقه تا به آخر انقلابی است. در عین حال این واقعیت نشانگر تداوم خط و سیاست انقلابی بنیانگذاران چریکهای فدائی خلق و پیگیری صداقت ویژه کمونیست های فدائی در میهن ما می باشد.

آیا هیچ یک از نیروهای دیگر مدعی چپ و کمونیسم می توانند با بررسی مواضع خود و نشریات شان در دوره مزبور چنین حکمی را صادر کنند؟

پیام فدائی نه فریب سیاست های نواستعماری امپریالیسم در معرفی جمهوری اسلامی به مثابه یک حکومت "ملی" و "ضدامپریالیست" را خورد، نه به تأیید جنگ هشت ساله با عراق که برخی آن را "جنگ میهنی" می نامیدند، پرداخت و نه در هیچ زمینه ای به دنباله روی از سیاست های این رژیم تا مغز استخوان ضد خلقی و سرکوبگر ، آلوده شد. در دوران پسا جنگ هم "پیام فدائی" خلاف بسیاری از مدعیان، فرا رسیدن دوره "بازسازی" و ظهور افسانه مبنی بر پایان سرکوب و فقر و آغاز "اعتدال" در نظام جمهوری اسلامی را محکوم و بطلان آن را با اتکاء به واقعیت های زندگی کارگران و زحمتکشان و مبارزات آن ها نشان داد. پیام فدائی در این دوران با دفاع قاطعانه از تئوری مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک، فریب حزب سازی های قلابی و تلاش های جنجال گرانه برای خاک پاشیدن به چشم طبقه کارگر را هم نخورد؛ جنگ برادر کُشی در گُردستان را محکوم کرد و همواره از شیوه صحیح حل تضادهای درون خلق به عنوان یک اصل در هر شرایطی دفاع کرد.

آغاز دور جدید انتشار پیام فدائی از آبان سال ۱۳۷۳ در شرایطی کاملاً متفاوت با دوره پیشین صورت پذیرفت. گرد و خاک ناشی از فروپاشی اجتناب ناپذیر شوروی و کمپ موسوم به "اردوگاه سوسیالیسم" که با یک هجوم ایدئولوژیک مسموم و مرگبار از سوی امپریالیست ها و ارتجاع به طبقه کارگر و آرمان های انقلابی و کمونیسم همراه شده بود،

چشم بسیاری از کوتاه بینان و فرصت طلبان را کور کرد و به اغتشاش نظری و شکاف های موجود ابعاد نوینی بخشید. فروپاشی شوروی ضربه ای بود که بحران گریبان گیر جنبش انقلابی در سطح بین المللی را به طور عام و جنبش کمونیستی ایران را که تا قبل از این تحولات هم متحمل ضربات بسیار سخت شده بود به طور خاص، در ابعادی چشم گیر به نمایش گذارد و بر حدت و شدت آن افزود. در بستر چنین هجومی امپریالیست ها و مرتجعین، "پایان تاریخ"، "مرگ مارکسیسم" و جاودانگی سلطه سرمایه داری را در همه جا جار زدند. تحت تأثیر همین تبلیغات بخش بسیار بزرگی از نیروهای به اصطلاح چپ و مدعی سوسیالیسم ماهیت واقعی و خرده بورژوازی خود را به نمایش گذاردند و در مقابل طوفان ناشی از این بحران به قول معروف اُننگ انداختند. اکثر این نیروها تا آن زمان به درجات متفاوت به قبله دروغین شوروی شان تحت عنوان "مهد سوسیالیسم" و "اردوگاه" و "کشور برادر" دخیل بسته بودند و در وابستگی های فکری و عملی خود به "برادر" بزرگتر با خفت تمام تا حد مجیزه گوئی "گلاس نوست" و "پرسترویکا" و تأیید آن هم پیش رفته بودند. اتفاقاً همین ها با شنیدن اولین عربه کشی های امپریالیسم و ارتجاع، علیه سوسیالیسم بدون کمترین نقد جدی با عیان شدن ماهیت ارتجاعی و رسوای نظام حاکم بر شوروی به ناگاه در نقش کاتولیک تر از پاپ به میدان آمده و این بار به مسابقه برای محکوم کردن "سوسیالیسم" و "مارکسیسم" و "دیکتاتوری پرولتاریا" و نمایش "دمکرات" شدن - البته در چشم بورژوازی و مطابق معیارهای او - پرداختند. در این میان برای نیروهائی از خانواده حزب توده خائن و اکثریت جنایتکار، این تحولات میدانی بود که بدون هیچ مقاومت و نبردی از سوی آن ها، ارباب جدید یعنی امریکا و نظم نوین جهانی آن را با ارباب سابق شان حزب به اصطلاح کمونیست ولی رسوای شوروی سابق عوض کردند.

تحت تأثیر آوار ناشی از این بحران، یأس و ناامیدی نسبت به مبارزه، نسبت به امکان پیروزی سوسیالیسم، بدبینی به مبارزه سیاسی و حرفه ئی، تشکیلات گریزی و بی اعتمادی به کار جمعی و تشکیلاتی سیطره وسیعی یافت و به ریزش بزرگ نیرو در سطح جنبش منجر شد. به این ترتیب واقعیات با هزار زبان از ضرورت تشدید فعالیت کمونیست های واقعی و مؤمن به آرمان های طبقه کارگر و تلاش به منظور دفاع از اصول و مبارزه با این آفات مسموم نظری و هجوم ایدئولوژیک بورژوازی به مارکسیسم و مواضع طبقه کارگر سخن می گفتند. انتشار دور جدید پیام فدائی با درک این ضرورت ها و در بطن چنین شرایط بحرانی صورت پذیرفت.

"پیام فدائی" با قرار دادن وظایفی هم چون "افشای جنایات و وحشی گری بورژوازی امپریالیستی در حق طبقه کارگر و خلق های تحت ستم دنیا"، "دفاع از مارکسیسم و مقابله با تبلیغات ضد انقلابی علیه آن"، "دفاع از کمونیسم"، تلاش در جهت حرکت برای یافتن "راه های برون رفت از بحران"، "دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک"، تأکید بر "ضرورت" انقلاب اجتماعی و "سرنگونی قهر آمیز سلطه امپریالیسم" و "نابودی رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی" و ... در مقابل خود قرار داده و در این راستا گام برداشت. به این ترتیب پیام فدائی بار دیگر در یکی از سخت ترین شرایط مسؤولیت و بار سنگینی از وظایف کمونیستی را بر دوش گرفت که کمتر نیرو و جریانی خواست و یا توان آن را داشتند. مهم تر از این پیام فدائی در طول سال ها نشان داد که علاوه بر شناخت صحیح از ضرورت های زمان، یا توجه به نیرو و توان محدود خویش با چنگ و دندان در پیشبرد این وظایف و مسؤولیت ها از خود پایداری نشان داده و در چنین مسیری به رغم هر نوع محدودیت و ضعفی سرفراز بوده است. خود صفحات ۲۰۰ شماره این نشریه، آئینه تمام نمائی ست که نشانگر تلاش پیگیرانه این نشریه در پاسخ به ضرورت های شرایط فوق بوده و این امر را به اثبات می رساند. در عین حال باید تأکید کرد که بیان این موضوع به هیچ وجه به معنی نادیده گرفتن کمبودهای غیر قابل انکار این نشریه نیست، کمبودهائی که با حد نیرو و توان سازمان ما ارتباطی مستقیم داشته اند.

واقعیت این است که در جریان رویدادهای بزرگ اجتماعی این مواضع اتخاذ شده توسط نیروهای سیاسی در قبال این رویدادهاست که یکی از معیارهای شناخت ماهیت این نیروها و خواستگاه طبقاتی شان می باشد. هر گاه با توجه به چنین معیار مارکسیستی مواضع ۲۰۰ شماره پیام فدائی در چند سال اخیر را مرور کنیم و آن ها را با مواضع نیروهای مختلف مدعی کمونیسم مقایسه کنیم، تمایز آشکار بین یک خط روشن کمونیستی را که پیام فدائی همواره بار نمایندگی اصلی آن را بر دوش داشته، با خطوط و مواضع غیر کارگری و انحرافی گوناگون خواهیم دید.

به طور مثال این "پیام فدائی" بود که ماهیت ضدانقلابی "پروژه کلان اصلاحات" و نمایشات انتخاباتی "حماسه ۲ خرداد[جوزا]" ۱۳۷۶ جمهوری اسلامی را که برای مقابله با موج نوین اعتراضات اجتماعی و گرایش جوانان انقلابی به رادیکالیسم و قهر انقلابی، توسط طبقه حاکم مهندسی شده بود، از همان روز اول افشاء کرد و در مقابل تمامی مرتجعین و نیروهای سازشکار و فرصت طلبی که به نوعی فریب "اصلاح طلبان" حکومتی را خورده و دل به معجزات "سید خندان" یعنی خاتمی و دار و دسته اش بسته بودند، امکان اصلاحات در دیکتاتوری حاکم را توهم و افسانه خواند و بر شعار "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" تأکید کرد و اتفاقاً سیر رویدادها و تجربه خود کارگران و توده های تحت ستم، خیلی زود صحت چنین تحلیلی را به منصفه ظهور رساندند.

چند سال بعد و در جریان "فاجعه ۱۱ سپتمبر" و انفجار برج های دو قلو در امریکا که سرآغاز یکی از مخوف ترین تعرضات و لشکر کشی های امپریالیسم امریکا به خاورمیانه شد، این پیام فدائی بود که قاطعانه در مقابل روایات ساخته شده توسط امپریالیست ها ایستاد و به افشای چهره مسببان حقیقی این فاجعه پرداخت و ثابت کرد که بنیادگرایی اسلامی نه دشمن امریکا بلکه ابزار دست ساز خود امریکا برای پیشبرد نقشه های جنگ طلبانه این قدرت جهانی در سطح جهان است. درست در چنین فضای خوف انگیزی بود که برخی نیروهای فریبکار با تکرار ادعاهای امپریالیست ها در مورد "قطب" بنیاد گرایی اسلامی به مثابه دشمن "غرب" و حتی نمایاندن آن به جای امپریالیسم به عنوان دشمن اصلی توده ها به ارا به کش مائین جنگی ضد خلقی امریکا علیه مردم عراق و افغانستان و سوریه بدل شدند. برخی دیگر از نیروهای سست عنصر نیز مرعوب عربده های "یا با امریکا یا با دشمنان امریکا" گشتند که توسط بوش سر داده می شد و در هراس خود تا آن جا پیش رفتند که برای امپریالیسم امریکا "حق" تعقیب و مجازات "تروریست ها" در هر نقطه ای از جهان را قایل شدند!

در جریان یکی دیگر از عظیم ترین رویدادهای اجتماعی سال های اخیر در ایران یعنی خیزش ۸۸ و انفجار جنبش خودبه خودی میلیونی توده های تحت ستم، جنبشی که لزره بر اندام پوسیده رژیم جمهوری اسلامی انداخت و دیکتاتوری خفقان آور آن در سطح جامعه تحت سلطه ما را تکان داد، باز هم این پیام فدائی بود که با تشخیص صحیح تضادها و واقعیات عینی به حمایت از این جنبش خودبه خودی و انقلابی برخاسته و در همان حال به افشای تلاش های استثمارگران حاکم پرداخت که برای مصادره این جنبش و انحراف آن مشغول تحمیل رهبری های ارتجاعی بر آن و محدود کردنش در چارچوب نظام پوسیده جمهوری اسلامی بودند. اهمیت چنین مواضعی هنگامی بیشتر درک می گردد که به یاد آوریم جنبش ۸۸ و مواضع نیروهای سیاسی مختلف باعث به وجود آمدن صف بندی ها و مرزبندی های جدیدی در بین نیروهای سیاسی و مدعیان چپ شد. بسیاری از نیروهای مدعی هواداری از طبقه کارگر و سوسیالیسم، فاقد هر گونه تحلیل درست در مورد جنبش توده ئی اخیر بودند. بخش بزرگی از نیروهای سیاسی به نوعی فریب تبلیغات دروغین طبقه حاکم در مورد "جنبش سبز" که اسم رمز جنبش اصلاح طلبان حکومتی یعنی یک جناح از سرمایه داران هار و استثمارگر حاکم می باشند، را خورده و آن را به جای جنبش توده ها نشاندهند. با این تحلیل نادرست و فرصت طلبانه، این نیروها هر یک به سرعت و به درجات متفاوت به مرداب جبهه سائی و دنباله روی از اهداف

ارتجاعی اصلاح طلبان حکومتی در غلتیدند. برخی دیگر از یک موضع ظاهراً خلاف دسته اول، با قبول این تبلیغ دروغین که گویا جنبش میلیونی دلاورانه مردم ایران تحت رهبری دارو دسته سبزه‌هاست و ادعای این که طبقه کارگر در این جنبش شرکت ندارد، جنبش آزادیخواهانه و مترقی مردم را جنبشی ارتجاعی خوانده و در یکی از حساس‌ترین برهه‌های تاریخ مبارزات توده‌های تحت ستم ما، به ورطه پاسیفیسم افتادند. در میان سایر نیروهائی هم که ظاهراً از جنبش توده‌ئی مردم ما دفاع می‌کردند، میانه‌بازان خرده بورژوازی رنگارنگ و منزله‌ئی هم بودند که حاضر نبودند تا دفاع از جنبش توده‌ها را مطابق خواست قلبی و واقعی آنان یعنی استقلال از تمام دار و دسته‌های رنگارنگ طبقه حاکم و به طور اولی، مخالفت با هر دو جناح ارتجاعی جمهوری اسلامی پیش ببرند. این نیروها تا مدت‌های مدید از سردادن شعار "جمهوری اسلامی با هر جناح و دسته نابود باید گردد" و "مرگ بر تمامی جناح‌های ضد خلقی جمهوری اسلامی" چه "اصلاح طلب" و چه "محافظه کار" به بهانه‌های مختلف خودداری کرده و به این وسیله به توهم پراکنی امپریالیست‌ها و مرتجعین در میان توده‌ها خدمت کردند.

در مقابل چنین جبهه‌ای این پیام فدائی بود که به سهم خود با مطرح کردن یک تحلیل منسجم و روشن توانست در دو عرصه (یکی علیه دشمنان مردم و دیگری علیه نظرات انحرافی نیروهای سازشکار) به مقابله بر خیزد و تا زمان تداوم این جنبش دلیرانه، هر آنچه را که در توان داشت، در راه دفاع از این جنبش، حمایت از توده‌های به پاخاسته و برطرف کردن موانع پیش‌روی آن صرف کرد.

در زمینه مسایل کارگری همان طور که می‌دانیم سازمان ما همیشه مورد هجوم بیش‌زمانه اپورتونیست‌ها قرار داشته است که با ادعاهای بی پایه مبنی بر "عدم اعتقاد" پیروان تئوری مبارزه مسلحانه به طبقه کارگر و ... مشغول به خیال خویش مسموم کردن ذهن جوانان در این زمینه بوده‌اند. اما حجم کار نظری ارزشمندی که پیام فدائی به مثابه صدای واقعی کارگران و زحمتکشان به ویژه در دوره اخیر در برخورد با مسایل کارگری و مسایل زیست و مبارزه این طبقه منعکس کرده به گونه‌ای بوده است که حتی این سلاح اپورتونیستی نیروهای فوق، زنگ زده گشته و آن‌ها به راحتی نتوانسته‌اند اتهامات همیشگی‌شان را در مورد به اصطلاح عدم اعتقاد ما به طبقه کارگر و سازماندهی و تشکل این طبقه علیه ما تکرار کنند. پیام فدائی در افشای عقیم بودن نظرات غیر پرولتری نیروهای خرده بورژوازی و شکستن این فضای مسموم نقش غیر قابل انکاری ایفاء کرده است.

خط روشن مارکسیستی پیام فدائی در مورد جنبش زنان نیز که دارای مرزبندی‌های قاطعانه و اصولی با هر گونه تفکر بورژوازی و فمینیستی در این جنبش چه از سوی اصلاح طلبان حکومتی و چه رفرمیست‌های لانه کرده در زیر پرچم فمینیسم می‌باشد، یکی دیگر از عرصه‌های ارزشمند کار پیگیرانه پیام فدائی در مورد مسایل زنان و جنبش زنان بوده است. پیام فدائی فارغ از فضای جنجالی و های و هوی از جانب جریان فمینیست و اصلاح طلب که می‌کوشند زنان را در مقابل مردان قرار داده و بین آن‌ها در مبارزه علیه رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی جدائی به وجود آورند، بر ضرورت اتحاد مبارزاتی زنان و مردان تحت ستم ایران تأکید نموده و صدای زنان محروم و به ویژه زنان کارگر و زحمتکش را منعکس نموده است. پیام فدائی در ارتباط با جنبش زنان با دلایل و فاکت‌های مختلف بر این موضع پای فشرده است که رهائی واقعی زنان وابسته به نابودی نظام سرمایه داری می‌باشد که هر روز تبعیض و نابرابری و زن ستیزی را باز تولید می‌کند؛ و بر این اساس با نشان دادن این که رهائی زنان به رهائی طبقه کارگر گره خورده، ترسیم کننده مسیر واقعی این جنبش برای آزادی زنان و رهائی آن‌ها از قید هر گونه استثمار و ستم طبقاتی و از جمله ستم جنسی بوده است.

و بالاخره در طول دوره اخیر در شرایطی که بسیاری از مدعیان دو آتشه "آرمان ها" و "افتخارات" و "سنت های" فدائی با تمام قدرت به فدا کردن تمامی آن ارزش ها و اصول و حتی حذف و جرح و تعدیل آرم پر افتخار این سازمان مشغول بوده اند، این پیام فدائی بود که با دفاع پیگیرانه از آرمان ها و ارزش های کمونیستی "چریکهای فدائی خلق" به مثابه رزمندگان پیگیر امر طبقه کارگر چه از طریق دفاع از نظرگاه های انقلابی بنیانگذاران سازمان خود و مقابله با تحریف آن نظرات و چه از طریق هر چه شفاف تر کردن تاریخ مبارزاتی آن و مقابله با تحریفاتی که در رابطه با تاریخ این سازمان صورت گرفته و می گیرد ، در سطح جنبش وفاداری خود به خط و مواضع و ارزش های فدائیان واقعی توده ها و انقلاب را به نمایش گذارده است.

مثال های فوق و قیاس های موجود در آن ها بیش از هر ادعائی نشان می دهند که آن چه در مورد "پیام فدائی" گفته شد به هیچ وجه بیان گر خودستائی تنگ نظرانه و رقابت های مرسوم خرده بورژوائی نبوده بلکه آشکارا منعکس کننده این حقیقت اند که پیام فدائی پیش از هر چیز دارای یک چهارچوب نظری مستحکم و خط انقلابی و مارکسیستی بوده است؛ و مواضع درست و منطبق بر واقعیت آن نشانگر پایداری بر اصول و پرنسیب هائی است که پیام فدائی افتخار نمایندگی آن ها در سطح جنبش انقلابی مردم ما تا به امروز را داشته است.

برخی دیگر از مسایل و مواضع نشریه مربوط به افشای رابطه وابستگی جمهوری اسلامی به امپریالیسم، پروژه هسته ئی و چشم انداز و نتایج آن، افشای تفکرات و ایده های اپورتونیستی در تحلیل ماهیت هیأت حاکمه و سیاست های آن، مسأله ملی و تفکیک مبارزات عادلانه خلق های تحت ستم برای رفع ستم ملی با تحریکات نیروهای وابسته و ناسیونالیست (که زیر پرچم مبارزه ملی در صدد تعویض شکلی از ستم ملی و امپریالیستی با شکل دیگر آن هستند)، و در عین حال افشای نیروهائی که زیر نام مارکسیسم اصل حق تعیین سرنوشت خلق ها را مردود شمرده اند، پرداخته است. بخش های دیگر کار "پیام فدائی" به بررسی مسایل و تجارب مبارزاتی و انقلاب سایر خلق های تحت ستم و نشان دادن تجارب مبارزاتی در آن ها، درج ترجمه هائی از متون مارکسیستی و یا ترجمه های روشنگرانه از متون مختلف و بالاخره انعکاس دائمی فعالیت های عملی فعالان سازمان در کشورهای مختلف اختصاص یافته است.

تداوم انتشار پیام فدائی امروز نیز در شرایطی صورت می گیرد که تشنت و پراکندگی مهم ترین خصوصیت ناگوار گریبان گیر جنبش نوین کمونیستی است. در حالی که جریان سیال مبارزه مسلحانه انقلابی و کمونیستی در جامعه وجود ندارد، ما از یک طرف شاهد حضور گسترده نیروهای وابسته به طبقه حاکم و اتاق های فکر ضد انقلابی آن می باشیم که با استفاده از امکانات بی حد و مرز تبلیغاتی خویش سعی در نشر و پخش نظرات ارتجاعی در سطح جنبش دارند و از طرف دیگر نیروهای مختلف سیاسی سازشکار و فرصت طلب درون صف خلق را داریم که با تبلیغات خویش به انحراف افکار عمومی مشغولند. این شرایط پیشبرد یک مبارزه ایدئولوژیک سنگین علیه ایده های انحرافی و در جهت پخش و تبلیغ و ترویج کمونیسم و ایده های انقلابی را بر دوش پیام فدائی گذارده است.

واقعیت این است که ایده های انحرافی ، سدی در مقابل رشد و گسترش پیشرفت جنبش هستند. در نتیجه مبارزه با ایده های غیر پروولتری و پالایش نظرات انقلابی از رسوبات انحرافی وظیفه ای تردید ناپذیر می باشد که به امر انقلاب توده های تحت ستم و هموار کردن راه آن خدمت بزرگی می کند تا آن جا که بدون آن پیشرفت و حرکت به جلو قابل تصور نیست. به واقع، این مبارزه خود بخشی جدائی ناپذیر از پراتیک انقلابی است که با اتکاء به عالیترین شکل مبارزه یعنی مبارزه مسلحانه قادر به در هم کوبیدن نظام استثمارگرانه حاکم خواهد شد. در این شکی نیست که رشد و گسترش جنبش در گرو تحقق ایده های انقلابی در عمل و منوط به جریان مبارزه مسلحانه می باشد، اما مبارزه ایدئولوژیک و دفاع از

تئوری مبارزه مسلحانه و مارکسیسم و کمونیسم هیچ گاه نباید منوط به رشد و گسترش پراتیک معینی شود. پیشبرد مبارزه طبقاتی پرولتاریا و اشاعه نظرگاه های انقلابی و تبلیغ و ترویج کمونیستی وظیفه دائمی ست. مطالعه گذشته و حال "پیام فدائی" بی هیچ مبالغه و گزافه گوئی نشان می دهد که این نشریه کمونیستی با مقاله های پر بار و رادیکال، یک نشریه زنده، تئوریک و با مواضع انقلابی در باره مهم ترین رویدادهای جاری جامعه ماست. ایمان تزلزل ناپذیر به پیروزی کارگران و زحمتکشان که در برگ برگ این نشریه به چشم می خورد چیزی نیست جز انعکاس توأمان آگاهی و صداقت انقلابی که از اولین روز انتشار، راهنمای پیام فدائی بوده و می باشد. پیام فدائی، پیام چریکهای فدائی خلق ایران است. پیام چریکهای که با حمله به پاسگاه سپاهک در سال ۴۹ در زیر یکی از وحشیانه ترین دیکتاتوری ها راه را بر توده ها گشودند و در جهت تحقق آرمان های کمونیستی خود سازمان سیاسی - نظامی طبقه کارگر را بنیان نهادند. پیام فدائی، صدای انقلاب و تمامی انقلابیونی ست که برای مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری، افشای جنایات آن و دفاع از مارکسیسم و کمونیسم تلاش می کنند. پیام فدائی با دفاع از تئوری مبارزه مسلحانه هم ستراتیژی هم تاکتیک و تبلیغ و ترویج نظرات چریکهای فدائی خلق ایران، این رزمندگان راستین طبقه کارگر در میان انواع رنگارنگ نشریات چپ و سوسیالیستی و کارگری و ... تریبون انقلاب است. بدون شک این موقعیت مرهون کار دائمی و سخت تمامی رفقای ست که با عشق به توده ها و اعتقاد قلبی به اهداف این نشریه کمونیستی در آن قلم زده اند و یا با تهیه ترجمه و خبر و گزارش و کارهای تکنیکی و چاپی آن در هر شرایطی برای زنده نگه داشتن و ارتقای آن از خویش مایه گذارده و تداوم آن را میسر ساخته اند. حفظ موقعیت ارزنده این نشریه در سطح جنبش انقلابی مرهون تداوم همین کوشش های بی دریغ و مهم تر از آن گسترش آن هاست. هم چنین حفظ و تداوم انتشار این نشریه نه تنها به یاری از طرف همه فعالان سازمان بلکه از طرف تمامی کمونیست ها و مبارزینی نیازمند است که به هر دلیل در یک تشکل کمونیستی کار نمی کنند اما خط و نظر و آرمان های "پیام فدائی" را خط و آرمان های خود می دانند.

انتشار دویستمین شماره نشریه پیام فدائی فرصتی ست تا بار دیگر صمیمانه تمامی نیروها و رفقای کمونیست و مبارز و مدافع تئوری مبارزه مسلحانه را که نظرات و آرمان های پیام فدائی را نظر و آرمان های خود می دانند به تلاش برای تقویت این نشریه کمونیستی و تبلیغ و ترویج ایده های انقلابی آن به ویژه در میان نسل جوان دعوت کنیم.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران

شماره ۲۰۰، بهمن ماه [دلو] ۱۳۹۴